



الگوی رهبری امام خمینی (ره)

عباس شفیعی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۱

شفیعی، عباس، ۱۳۴۶ - ، گردآورنده.
الگوی رهبری امام خمینی(ره) / عباس شفییعی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
سیزده، ۲۳۳ص: مصور، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۱۶: مدیریت؛ ۸)
بها: ۴۴۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۱۱] - ۲۱۶.
نمایه.
۱. خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹ - ۱۳۶۸ - نظریه درباره رهبری (اسلام). ۲. رهبری سیاسی - جنبه های مذهبی - اسلام. ۳. رهبری (اسلام) - پرسش ها و پاسخ ها. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۱ ۷ الف ۹۵ ر / ۵ / ۱۵۷۴ DSR ۹۵۵ / ۰۸۴۲
شماره کتابشناسی ملی
۲۷۴۴۳۵۸



الگوی رهبری امام خمینی(ره)

مؤلف: عباس شفییعی

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حروفچینی و صفحه آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۰۲۵۱ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰ - ۰۲۱

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان کتاب درسی برای دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی رشته مدیریت و علوم سیاسی و نیز دیگر علاقه‌مندان حوزه مدیریت و رهبری تهیه شده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از مؤلف محترم آقای عباس شفیعی تقدیر و تشکر نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مد ظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و در یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به‌پشتوانه چنین میراث گران‌قدری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای

جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است.

از استادان، فرهیختگان و صاحب نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

فهرست مطالب

۱	مقدمه مؤلف
۳	فصل اول: کلیات
۳	مبحث اول: مفاهیم
۳	مقدمه
۴	الف) ضرورت طرح موضوع
۵	ب) واژه‌شناسی
۵	۱. مفهوم سبک
۶	۲. مفهوم مدیریت
۷	۳. مفهوم رهبری
۸	۴. سبک رهبری
۱۰	○ خلاصه مبحث
۱۱	○ پرسش‌ها
۱۲	مبحث دوم: سبک‌شناسی در رهبری اسلامی امام خمینی(ره)
۱۲	مقدمه
۱۴	شیوه رهبری امام خمینی(ره)
۱۴	رهبری و مدیریت در اسلام
۱۷	ولایت فقیه، بنیاد رهبری امام خمینی(ره)
۱۹	امام خمینی(ره) رهبر و مدیری بی‌نظیر
۲۲	متدلوژی در پژوهش حاضر
۲۳	○ خلاصه مبحث
۲۳	○ پرسش‌ها
۲۵	فصل دوم: مطالعات رهبری
۲۵	مبحث اول: نگرش‌های رهبری (نگرش سنتی)
۲۵	مقدمه

۲۶	نگرش سنتی
۲۹	○ خلاصه مبحث
۳۰	○ پرسش‌ها
۳۱	مبحث دوم: نگرش‌های رهبری (نگرش رفتاری)
۳۱	مقدمه
۳۱	مفهوم نگرش رفتاری
۳۲	پژوهش‌های رفتاری
۳۲	مطالعات رهبری آیووا
۳۲	۱. سبک رهبری استبدادی، یا اقتدارمآب
۳۲	۲. سبک رهبری مشارکتی، یا دموکراتیک
۳۳	۳. سبک رهبری تفویضی
۳۴	مطالعات رهبری اوهایو
۳۶	مطالعات رهبری میشیگان
۳۶	۱. سبک رهبری وظیفه‌مدار
۳۶	۲. سبک رهبری کارمندمدار
۳۸	- سیستم ۱: استبدادی بهره‌کش
۳۸	- سیستم ۲: استبدادی خیرخواه
۳۹	- سیستم ۳: مشارکتی
۳۹	- سیستم ۴: دموکراتیک
۴۰	۲. شبکه مدیریت
۴۲	○ خلاصه مبحث
۴۲	○ پرسش‌ها
۴۳	مبحث سوم: نگرش‌های رهبری (نگرش اقتضایی)
۴۳	مقدمه
۴۳	نگرش اقتضایی
۴۴	پیوستار رهبری
۴۵	تئوری اقتضایی فیدلر
۴۷	تئوری وضعیتی
۵۰	تئوری مسیر - هدف
۵۱	○ خلاصه مبحث
۵۲	○ پرسش‌ها
۵۳	مبحث چهارم: پژوهش‌های جدید رهبری
۵۳	مقدمه
۵۳	۱. مدل ارتباط عمودی دونفره

۵۵	۲. مدل ارتباط چندجانبه
۵۶	۳. مدل رهبری تبدیلی
۵۷	۴. نظریه اسناد رهبری
۵۸	۵. نظریه رهبری فرهمند
۶۰	۶. تئوری رهبری تیمی
۶۲	۷. رهبری بصیر
۶۵	۸. رهبری خدمتگزار
۶۷	۹. رهبری تحول‌گرا
۶۸	مقایسه رهبری تحول‌گرا و خدمتگزار
۶۹	۱۰. رهبری معنوی
۷۰	۱۱. رهبری اخلاقی
۷۱	رهبری اخلاقی از دیدگاه برنز
۷۲	سطوح نیاز افراد و تعالی پیروان
۷۳	دسته‌بندی برنز از رهبران از نظر اخلاقی بودن
۷۳	○ خلاصه مبحث
۷۴	○ پرسش‌ها
۷۵	فصل سوم: الگوی رهبری امام خمینی(ره)
۷۵	مبحث اول: رهبری امام خمینی(ره) و تئوری‌های رهبری
۷۵	مقدمه
۷۶	امام خمینی(ره) و تئوری‌های رهبری
۸۲	○ خلاصه مبحث
۸۳	○ پرسش‌ها
۸۴	مبحث دوم: الگوی مدیریت بر قلوب
۸۴	مقدمه
۸۴	الگوی پیشنهادی امام خمینی(ره) به سران دولت‌های اسلامی
۸۵	مفهوم مدیریت بر قلوب
۸۷	شرایط دستیابی به مدیریت بر قلوب
۸۸	ترسیم کلی مدیریت بر قلوب در رهبری
۹۰	○ خلاصه مبحث
۹۰	○ پرسش‌ها
۹۱	مبحث سوم: عناصر مهم مدل مدیریت بر قلوب (انگیزه الهی)
۹۱	مقدمه
۹۱	مفهوم انگیزه الهی رهبر

.....	آثار انگیزه الهی	۹۳
.....	۱. انگیزه الهی و اصلاح رهبر	۹۳
.....	۲. نقش انگیزه الهی در تأسیس نهادها و استمرار آنها	۹۴
.....	۳. انگیزه الهی در عزل و نصبها	۹۵
.....	اخلاص توأم با تواضع شاخص کلی انگیزه الهی	۹۵
.....	شاخصهای عملیاتی در انگیزه الهی	۹۹
.....	مفهوم پیروزی و شکست در اندیشه امام خمینی(ره)	۱۰۲
.....	انگیزه الهی امام خمینی(ره) در عمل	۱۰۴
.....	۱. انگیزه الهی در نوشتن کتاب	۱۰۴
.....	۲. ادله خشنودی خدا بر خشنودی دوستان	۱۰۵
.....	۳. گله یکی از مدیران و پاسخ امام	۱۰۵
.....	○ خلاصه مبحث	۱۰۷
.....	○ پرسشها	۱۰۷
.....	مبحث چهارم: عناصر مهم مدل مدیریت بر قلوب (تکلیفمداری رهبر)	۱۰۸
.....	مقدمه	۱۰۸
.....	مفهوم تکلیف در اندیشه دینی	۱۰۸
.....	آثار تکلیفمداری رهبر	۱۱۰
.....	۱. تصویر اهداف بلندمدت و استراتژیک	۱۱۰
.....	۲. آرامش روحی در تکلیفمداری	۱۱۰
.....	۳. خودکنترلی در تکلیفمداری	۱۱۱
.....	تکلیفمداری امام خمینی در عمل	۱۱۳
.....	۱. تکلیفمداری در هجرت	۱۱۴
.....	۲. تکلیفمداری امام خمینی(ره) و برخورد متحجران با ایشان	۱۱۴
.....	۳. عمل به تکلیف در تمام اوقات	۱۱۵
.....	○ خلاصه مبحث	۱۱۶
.....	○ پرسشها	۱۱۷
.....	مبحث پنجم: عناصر مهم مدل مدیریت بر قلوب (مردممداری رهبر)	۱۱۸
.....	مقدمه	۱۱۸
.....	مفهوم مردم و ملت	۱۱۸
.....	ملت ایران، چهره منور تاریخ اسلام	۱۲۰
.....	رابطه رهبر و مدیران با مردم	۱۲۱
.....	جهتگیری رهبران و مدیران مردمدار	۱۲۳
.....	خیرخواهی مدیران در الگوی هرم معکوس	۱۲۵
.....	ویژگیهای ملت مطلوب در مدیریت بر قلوب	۱۲۶

۱۲۷	۱. ایمان و تحول درونی
۱۲۹	۲. اسلام‌خواهی
۱۳۰	۳. بیداری و رشد دینی و سیاسی
۱۳۰	۴. الگوی ملل مستضعف جهان
۱۳۱	مردم‌داری امام خمینی(ره) در عمل
۱۳۲	۱. هم‌سطح شدن با مردم فقیر
۱۳۳	۲. ساخت پناهگاه و برخورد امام خمینی(ره)
۱۳۳	۳. گریه امام به خاطر مردم
۱۳۴	۴. تعطیلی نماز جماعت به خاطر نجات مردم
۱۳۵	۵. رسیدگی به نیازمندان
۱۳۵	۶. گردن‌بند ازدواج زن ایتالیایی بر گردن فرزند شهید
۱۳۶	○ خلاصه مبحث
۱۳۶	○ پرسش‌ها
۱۳۷	فصل چهارم: الگوی رهبری اسلامی (رویکرد، مفاهیم، عناصر و ویژگی‌ها)
۱۳۷	مبحث اول: رویکرد و مفاهیم رهبری از منظر امام خمینی(ره)
۱۳۷	مقدمه
۱۳۸	رویکرد امام خمینی(ره) به رهبری
۱۳۸	مفاهیم رهبری از منظر امام خمینی(ره)
۱۳۸	۱. رهبری، یعنی خدمت و رهبر، یعنی خادم
۱۳۹	خدمت خالصانه
۱۴۱	مدیریت خدمت‌مدار و شاخص‌های آن در فرهنگ اسلامی
۱۴۱	الف) روحیه خدمتگزاری و نفع‌رسانی
۱۴۲	ب) تحمل زحمت دیگران
۱۴۲	ج) تأمین نیاز مردم
۱۴۳	د) نوع‌دوستی و دردمندی با مردم
۱۴۴	۲. رهبری، یعنی برادری و رهبر، یعنی برادر
۱۴۴	۳. رهبری، یعنی ایثارگری و رهبر، یعنی ایثارگر
۱۴۵	رابطه ایثارگری و رهبری در فرهنگ اسلامی
۱۴۶	۴. رهبری، یعنی بصیرت و رهبر، یعنی بصیر و هوشمند
۱۴۹	○ خلاصه مبحث
۱۵۰	○ پرسش‌ها
۱۵۱	مبحث دوم: الگوی رهبری در فرهنگ اسلامی
۱۵۱	مقدمه

۱۵۱	عناصر مهم الگوی رهبری اسلامی
۱۵۱	الف) آگاهی به زمان
۱۵۴	ب) مردم‌شناسی
۱۵۴	مردم‌شناسی پیامبر (ص)
۱۵۵	مردم‌شناسی علی(ع)
۱۵۶	مردم‌شناسی امام خمینی(ره)
۱۵۶	۱. تأکید امام بر اجتماع ملت ایران و نبودن تفرقه میان آنها
۱۵۷	۲. توصیه امام به مدیران عالی کشور درباره توجه به مردم
۱۵۷	۳. امام خمینی(ره) در بیمارستان قلب به فکر ملت است
۱۵۸	ج) جاذبه رهبری
۱۶۱	د) پیشگامی رهبر
۱۶۳	ه) ایمان به هدف
۱۶۶	○ خلاصه مبحث
۱۶۷	○ پرسش‌ها
۱۶۸	مبحث سوم: ویژگی‌های رهبران و مدیران اسلامی از نگاه امام خمینی(ره)
۱۶۸	مقدمه
۱۶۸	ویژگی‌های رهبران و مدیران اسلامی
۱۶۹	الف) تزکیه، ایمان و تقوا
۱۷۱	نمونه‌هایی از مدیران مؤمن و متقی
۱۷۲	ب) ساده‌زیستی
۱۷۲	نمونه ساده‌زیستی در رفتار رهبران و مدیران
۱۷۳	ج) اعتماد به نفس
۱۷۴	روش‌های دستیابی به خوداتکایی
۱۷۴	- باید خود گم‌کرده را پیدا کنیم
۱۷۵	- خوداتکایی با ضعف سازگاری ندارد
۱۷۶	- اعتماد به خدا، اعتماد به نفس را در پی دارد
۱۷۶	د) صبر و استقامت
۱۷۷	○ خلاصه مبحث
۱۷۸	○ پرسش‌ها
۱۷۹	مبحث چهارم: مدیریت امام خمینی(ره) از نگاه برخی از رهبران و مدیران
۱۷۹	مقدمه
۱۷۹	۱. خاطره‌ای از مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدّ ظلّه العالی)
۱۸۱	۲. خاطره‌ای از یک سردار شهید ارتش
۱۸۲	۳. خاطره‌ای از یک فرمانده نظامی

۱۸۴	○ خلاصه مبحث
۱۸۴	○ پرسش‌ها
۱۸۵	خاتمه
۱۸۵	مباحث ویژه الگوی رهبری امام خمینی(ره)
۱۸۵	مبحث اول: تحلیل مسائل مهم دوران رهبری امام خمینی(ره) (مسئله دولت موقت بازرگان و...)
۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	الف) مسئله دولت موقت
۱۸۶	چگونگی انتخاب بازرگان
۱۸۷	تحلیل دینی و مدیریتی الگوی رهبری امام خمینی(ره) در مسئله
۱۸۸	مبانی دینی تصمیم امام خمینی(ره)
۱۹۱	ب) مسئله ریاست‌جمهوری بنی‌صدر
۱۹۱	روند انتخاب بنی‌صدر به ریاست‌جمهوری
۱۹۳	تحلیل دینی و مدیریتی الگوی رهبری امام خمینی(ره) در مسئله
۱۹۵	○ خلاصه مبحث
۱۹۶	○ پرسش‌ها
۱۹۷	مبحث دوم: تحلیل مسائل دوران رهبری امام خمینی(ره) (مسئله تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و...)
۱۹۷	مقدمه
۱۹۸	۱. تسخیر سفارتخانه آمریکا
۱۹۹	تحلیل دینی و مدیریتی الگوی رهبری امام خمینی(ره) در مسئله
۲۰۱	۲. مسئله ارتداد سلمان رشدی
۲۰۱	ماجرای سلمان رشدی و آیات شیطانی
۲۰۲	تحلیل دینی و مدیریتی الگوی رهبری امام در مسئله
۲۰۵	۳. مسئله طرح جهانی اسلام با نامه امام خمینی(ره) به گورباچف
۲۰۵	صدور معنوی انقلاب
۲۰۷	تحلیل دینی و مدیریتی مسئله
۲۰۹	○ خلاصه مبحث
۲۰۹	○ پرسش‌ها
۲۱۱	منابع و مأخذ
۲۱۷	نمایه آیات و روایات
۲۲۱	نمایه موضوعات
۲۳۰	نمایه اعلام
۲۳۳	نمایه مکان‌ها

مقدمه مؤلف

امام خمینی(ره) شخصیت فرهیخته در عصر حاضر است که شمیم توحیدی در وجودش دمیده شده و ساختار ذهنی و اعتقادی وی از موسیقی آیات الهی و سنت نبوی و علوی حظ وافر برده است.

و به طور یقین، به خاطر همین تربیت قرآنی است که حرکتش در انقلاب اسلامی سبب تحولی شگرف در جهان گردیده و موجب تغییر در معادلات جهانی از جمله بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی شده است. این تأثیرگذاری افزون بر اینکه نشأت گرفته از پیش فرض های اعتقادی وی در رهبری بوده از الگوی رهبری ایشان در گستره معنویت و الوهیت سرچشمه می گیرد و به طور طبیعی این پدیده جدید محققان مطالعات رهبری را به تأنی و اندیشه فروبرده است این رویکرد می تواند از زوایای مختلف نقطه تبادل افکار و بررسی علمی اندیشمندان گردد. هدف از نگارش این مجموعه تدوین و تبیین الگوی رهبری امام خمینی(ره) و ارائه مدلی اسلامی به جهان اسلام است در مسیر دستیابی به این مهم، بررسی و شناخت مفاهیم کلیدی در موضوع رهبری و طرح پرسش اصلی انجام گرفته و الگوی رهبری معظم له تبیین شده است. این مطالعه نشان می دهد که الگوی رهبری امام با الگوهای دیگر رهبری تفاوت ماهوی دارد نوع نگرش ایشان به رهبری، الگویی نو و بدیع ارائه داده که نتیجه این نگرش را می توان در حاکمیت و مدیریت بر قلوب خلاصه کرد.

سازمان دهی کتاب

این مجموعه دربرگیرنده چهار فصل و یک خاتمه است. در فصل نخست دو مبحث درسی قرار دارد. در مبحث اول مفاهیم کلی شامل ضرورت طرح موضوع، واژه شناسی بوده و واژه هایی

همچون سبک، مدیریت رهبری و سبک رهبری مورد بررسی قرار گرفته است. در مبحث دوم سبک‌شناسی در رهبری امام خمینی طرح شده است.

در فصل دوم، مباحث مربوط به مطالعات رهبری و نگرش‌های رهبری (سستی، رفتاری و اقتضایی) بررسی شده و پژوهش‌های جدید رهبری آورده شده است. فصل سوم با عنوان الگوی رهبری امام خمینی(ره) مشتمل بر مباحث درسی رهبری امام خمینی و تئوری‌های رهبری، الگوی مدیریت بر قلوب، عناصر فهم مدل مدیریت بر قلوب (انگیزه الهی، تکلیف‌مداری و مردم‌داری) است.

فصل چهارم با عنوان الگوی رهبری اسلامی (رویکرد، مفاهیم، عناصر و ویژگی‌ها) دربردارنده چهار مبحث درسی است که در مبحث اول به رویکرد و مفاهیم رهبری از منظر امام راحل پرداخته شده و در مبحث دوم الگوی رهبری در فرهنگ اسلامی مورد کنکاش قرار گرفته و در مبحث سوم ویژگی‌های رهبران و مدیران اسلامی از نگاه امام راحل بررسی شده و در مبحث چهارم مدیریت امام خمینی از منظر برخی از رهبران و مدیران مطالعه شده است.

در بخش خاتمه مباحث ویژه الگوی رهبری امام خمینی در قالب مباحثی تحت عنوان تحلیل مسائل مهم دوران رهبری امام خمینی(ره) مطرح شده و بعضی از مسائل مهم دوران مدیریت معظم‌له بررسی و تحلیل گردیده است.

در اینجا نگارنده این مجموعه بر خود لازم می‌داند که مراتب قدردانی خود را از مساعدت‌های خالصانه همراهان ابراز دارد:

- مسئولان و همکاران محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به‌ویژه ریاست محترم، معاونت‌های پژوهشی، توسعه منابع انسانی، مدیریت پژوهش و اداره چاپ و انتشارات و بخش اداری و مالی و همه همکارانی که با پشتیبانی صادقانه خود در به ثمر رساندن این اثر یاری‌ام کردند.

- اساتید و همکاران و محققان عزیز به‌ویژه مرحوم گران‌قدر دکتر حسن میرزایی اهرنجانی که با ارائه نقطه‌نظرات و پیشنهادات خود بر غنای بیشتر مباحث افزودند.

- پدر، مادر، برادرانم حاج حشمت‌الله و مسلم شفیعی که زحمات فراوانی برایم کشیده‌اند و نیز خانواده‌ام که با شکیبایی، مایه دلگرمی و آرامش خاطر بوده است.

در پایان از خوانندگان، استادان و دانشجویان و صاحب‌نظران گرامی می‌خواهم که با ارائه پیشنهادات و نظریات اصلاحی و سازنده خویش کاستی‌های این اثر را گوشزد نموده و بر غنای مباحث بیفزایند. «این اثر را به روح بلند امام راحل، شهدا، پدر و مادرم تقدیم می‌کنم».

فصل اول

کلیات

مبحث اول: مفاهیم

هدف کلی: آشنایی با مفاهیم رهبری و سبک رهبری امام خمینی (ره).

اهداف آموزشی مبحث اول

بعد از مطالعه این مبحث انتظار آن است که:

۱. ضرورت طرح موضوع رهبری امام خمینی (ره) را شناخته و تبیین نمایید؛
۲. با مفهوم سبک، مدیریت، و رهبری آشنا شوید؛
۳. مفهوم سبک رهبری را بدانید و آن را تحلیل کنید؛
۴. مدیریت و رهبری را با هم مقایسه و تحلیل کنید.

مقدمه

امام خمینی (ره) حقیقتی زنده و پویا برای عصرها و نسل‌های آینده است که درخشش افکار و ایده‌های استراتژیک او، نامی ماندگار در تاریخ معاصر از ایشان بر جای گذاشت. عشق وافر امت اسلامی به تجدید خاطره هر ساله و همزمان با ایام رحلت ایشان حکایت از استمرار حیات پویا و تأثیرگذار رهبری نافذ ایشان دارد. طبیعی است که بررسی ابعاد گوناگون شخصیت علمی و معنوی و بازخوانی اندیشه‌های حکومتی و مدیریتی امام خمینی (ره) و معرفی آن به نسل‌های آینده وظیفه‌ای خطیر برای نخبگان و فرهیختگان علمی کشور است، تا از این رهگذر گستره و عمق این تأثیر علمی و فرهنگی بر توده‌ها و آحاد ملت اسلامی بازشناسی شده و ترویج اندیشه‌های دینی امام خمینی (ره) در حوزه‌های مدیریت و رهبری انجام پذیرد یکی از مباحث مهم در حوزه رهبری امام خمینی (ره) تبیین الگوی رهبری ایشان است که نگارنده در این مجموعه درصدد تدوین آن است. در این قسمت، نخست ضرورت طرح موضوع بیان شده

سپس واژه‌شناسی مفاهیمی چون سبک، مدیریت، رهبری، سبک رهبری انجام گرفته و میان مدیریت و رهبری مقایسه صورت گرفته است.

الف) ضرورت طرح موضوع

اصولاً بنیاد اندیشه امام خمینی(ره) در حوزه‌های مختلف معرفتی، براساس شریعت اسلام نضج یافته است. بر این اساس، مبانی تفکر امام بر شالوده یک سنت تاریخی و طولانی از صدر اسلام قرار گرفته که این اندیشه با شناخت عمیق از قرآن و سنت نبوی و ولایی در پیوند «علم و دین» و به تعبیر بهتر، «حکومت و مدیریت دینی» در ظهور «جمهوری اسلامی» تجلی یافته است.

تراوش اندیشه دینی از افکار و کردار بنیانگذار جمهوری اسلامی، سبک رهبری امام خمینی(ره) را متمایز از شیوه‌های رهبری موجود در دنیا نموده و همین موضوع ایجاب می‌کند که اندیشوران حوزه رهبری به طرح آن پردازند.

از سوی دیگر، بازخوانی و تدوین اندیشه‌های امام خمینی(ره) از جمله اندیشه‌های مدیریتی و رهبری ایشان و معرفی آنها به نسل‌های آینده، ضرورتی انکارناپذیر است؛ چرا که بزرگ‌ترین دستاورد علمی امام خمینی(ره)، تأسیس نظام جمهوری اسلامی است که از رهیافت ایشان به تعامل دین و مدیریت در عصر غیبت، نشأت می‌گیرد و بی‌تردید این اندیشه شایسته تأمل، بازشناسی و ترویج است.

نکته قابل تأمل این است که رویکرد امام خمینی(ره) به چگونگی اداره جامعه نشأت گرفته از رهیافت‌های اسلامی است. به همین دلیل می‌توان با رهیافت‌های دینی، شاخصه‌های سبک رهبری امام خمینی(ره) را در میدان تجربه تعیین کرد، و الگوهای رفتاری ایشان را در حوزه رهبری تبیین نمود. با توجه به مطالب پیش‌گفته، بررسی و تحلیل تفکر امام خمینی(ره) و نیز بیان الگوهای رفتاری آن رهبر فقید، برای تدوین نظام‌مند شیوه رهبری ایشان و عرضه الگو و مدل دینی از سبک رهبری به جامعه علمی ضروری است. افزون بر این، یکی از دلایل تدوین و ارائه مدل اسلامی در شیوه رهبری با تکیه بر الگوی رهبری امام، این نکته است که اندیشه‌های ایشان در عرصه حکومت و مدیریت اسلامی در گستره‌ای وسیع و در دوره‌های گوناگون مبارزاتی — چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن — به صورت‌های مختلف ارائه گردیده و به‌طور قطع، تبیین علمی و تدوین سیستماتیک این مجموعه ارزشمند در حوزه رهبری شایسته خواهد بود. از این‌رو، تلاش نگارنده در این مجموعه در راستای رسیدن به هدف یادشده، پاسخ به این

پرسش کلیدی است که سبک رهبری امام خمینی چگونه بوده و مؤلفه‌های مهم الگوی رهبری ایشان کدام‌اند؟

با پاسخ به این پرسش و بررسی علمی زوایای آن، تدوین و ارائه الگوی علمی که به‌طور نظام‌مند بتواند در سازمان‌ها و مؤسسات جمهوری اسلامی ایفای نقش کرده و مطابق با فرهنگ بومی طراحی و بازسازی شود، تسهیل می‌یابد و بدین‌سان، خلأ موجود در سازمان‌ها از نظر الگوسازی و الگوپذیری برطرف می‌شود و شیوه رهبری بنیانگذار جمهوری اسلامی تبیین می‌گردد.

ب) واژه‌شناسی

معمولاً در آغاز بررسی‌ها و مطالعات مربوط به موضوعی، واژگان کلیدی در آن موضوع شناسایی و معرفی می‌شوند. شناخت مفاهیم هر کدام از واژه‌ها برای تبیین موضوع اصلی ضروری است. از این‌رو در بحث سبک رهبری امام خمینی (ره) نخست واژه‌های کلیدی مطرح و تعاریف‌هایی از آنها ارائه می‌گردد.

۱. مفهوم سبک^۱

«استایل» واژه‌ای فرانسوی است که علاوه بر سبک‌شناسی در ادبیات، به روش و فرم ساختاری در معماری و معماری داخلی و هر آنچه مربوط به دستاوردهای هنری باشد، نیز اطلاق می‌شود. در فارسی کلمه «سبک» معادل «استایل» قرار گرفته است. این کلمه عربی بوده و معنای آن: گداختن و به قالب ریختن است که در ایران بیشتر در ادبیات و تقسیم‌بندی شعر و نثر کاربرد دارد؛ مانند سبک‌های شعر در زبان فارسی که عبارت‌اند از: سبک‌های ترکستانی، سبک عراقی و سبک هندی و در نثر عبارت است از: سبک دوره سامانی، سبک دوره غزنوی، سبک دوره مغول، سبک گلستان و سبک ساده‌نویسی عصر حاضر.^۲

در تعریفی می‌توان گفت که «سبک به معنای طرز خاصی از نظم و نثر بوده که در اصطلاح روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و طرز تعبیر است».^۳ بدیهی است که

1. style

۲. ر.ک: فرهیخته، فرهنگ فرهیخته: واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی - حقوقی، ص ۶۴ و ۶۵.

۳. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۱۸۲۰.

میان نوع و سبک تفاوت وجود دارد؛ «نوع»، شکل ظاهری یک اثر است، اما «سبک»، سبجیه عمومی اثر شاعر، نویسنده یا متفکر از لحاظ موضوع و انعکاس‌های محیط در آن است. پس سبک، همفکر، هم‌جنبه ممتاز آن و هم‌طرز تعبیر را در نظر می‌گیرد؛ در صورتی که «نوع» فقط طرز انشاء را بیان می‌کند. با وجود این، سبک و نوع لازم و ملزوم یکدیگرند. با توجه به این مطالب، سبک شامل دو موضوع است: فکر یا معنا، صورت یا شکل. از توجه کردن به جهان، فکری تولید می‌شود؛ این نمونه‌ای است از تأثیر محیط در فرد. ما آن فکر را با سوابق ذهنی خود منطبق و موافق می‌سازیم و با همان جنبه فکری خویش، برای شنوندگان تعبیر می‌کنیم؛ این نمونه‌ای است از تأثیر فرد در محیط. هر موضوع و فکری، شکل و قالبی برای تعبیر لازم دارد...، یگانگی فکر و شکل، یا معنی و صورت است که بنیاد سبک را تشکیل می‌دهد.^۱ از سوی دیگر، سبک هر متفکر یا هنرآفرینی، مخصوص خود او و متناسب با شخصیت اوست. بنابراین، مسائل سبک، مسائل شخصیت است و براساس سخن «لون گینرس»، سبک هر کس خود اوست، شخصیت اوست.^۲

سبک هر فرد مربوط به شخصیت و طرز تفکر اوست، مربوط به نوع تفسیر و تعبیر از تفکرات و نرّم‌های اجتماعی اوست. به سخن دیگر، «سبک یا شخصیت آدمی عبارت است از: تعبیر و تفسیر دیگران از رفتارهای نسبتاً پایدار او».^۳

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، سبک آمیزه‌ای از فکر و شکل یا معنی و صورت است که شخصیت آدمی را نمایان می‌سازد.

۲. مفهوم مدیریت^۴

اندیشمندان علوم اداری و رفتاری تعریف‌های متعددی برای مدیریت ذکر کرده‌اند؛ برخی آن را «مجموعه‌ای از فعالیت‌ها (شامل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل) بر روی منابع سازمان (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعات) با هدف نیل به مقاصد سازمان به صورت کارا و اثربخش دانسته‌اند».^۵

۱. ر.ک: ملک‌الشعراى بهار، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۱، ص «ح»، «د»، «ه»، «و».

۲. ر.ک: آریان‌پور، مجله سخن، ش ۱۶.

۳. رضاییان، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۸۸.

برخی دیگر در تعریف مدیریت چنین بیان داشته‌اند که: «فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل و استفاده بهینه از منابع به منظور انجام اهداف عملکردی، مدیریت نامیده می‌شود».^۱ خانم ماری پارکر فالت^۲ مدیریت را «هنر انجام کارها به وسیله دیگران می‌داند».^۳ در نگاه این اندیشمند علوم رفتاری، مدیریت هنر یا دانش انجام کار با مردم، یا از طریق مردم است. نکته قابل توجه در تعریف‌های یادشده، انجام کار و فعالیت از طریق نیروی انسانی است که می‌توان با برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل، آن را به منصفه ظهور رساند. از این رو، می‌توان مدیریت را دانش و هنر به‌کارگیری منابع سازمانی برای دستیابی به اهداف سازمان به شیوه مطلوب دانست.

۳. مفهوم رهبری^۴

برای رهبری نیز تعریف‌های چندی ذکر شده که در بیشتر آنها، مفهوم «نفوذ» وجود دارد. هارولد کونتز،^۵ رهبری را با نفوذ برابر دانسته، معتقد است که رهبری عبارت است از: «هنر یا فرایندی که با نفوذ کردن در افراد، آنان را به‌طور داوطلبانه و راغبانه در راستای وصول به اهداف گروه به تلاش وامی‌دارد».^۶

شرمرهورن،^۷ رهبری را به عنوان مورد خاصی از نفوذ و اثرگذاری تعریف کرده که در آن، افراد یا گروه‌ها، آنچه را رهبر (مدیر) می‌خواهد انجام می‌دهند».^۸

تاننبوم (۱۹۶۴) نیز رهبری را نفوذ درون‌فردی دانسته که در موقعیتی خاص برای افراد ایجاد شده و در این فرایند انسان‌ها از طریق ارتباطات، برای دستیابی به اهداف خاص هدایت می‌شوند.^۹

بنابراین، نقطه مشترک در رهبری، نفوذ است و به تعبیر «هارولد کونتز»، رهبری برابر با نفوذ و اثرگذاری است. گفتنی است که این اثرگذاری، بدون داشتن قدرت امکان‌پذیر نیست. بدین‌سان،

1. Schermerhorn, *Management*, p.20.

2. Mary Parker Follet

3. Stoner & Freeman, *Management Englewood Cliffs*, p.6.

4. leadership

5. Harold Koontz

6. Koontz, and Others, *Essentials of Management*, p.344.

7. Schermerhorn

8. Schermerhorn, and Others, *Organizational Behavior*, p.315.

9. Blackwell, *Dictionary of Organizational Behavior*, p.284.

در رهبری، میان قدرت و نفوذ رابطه‌ای هست. چارلز هندی^۱ قدرت و نفوذ را دو مفهوم نزدیک به هم در رهبری دانسته و بیان می‌دارد «نفوذ فرایندی است که طی آن فرد "الف" نگرش‌ها و رفتار فرد "ب" را به دلخواه خود تعدیل و اصلاح می‌کند و قدرت آن چیزی است که به او (فرد الف) این امکان را می‌دهد. از این‌رو، قدرت ابزار نفوذ است».^۲

از سوی دیگر، با توجه به تأثیرگذاری راغبانه و آزادانه در پیروان، رهبری را نمی‌توان با زور و اجبار توأم دانست؛ چه اینکه رهبری فرمان راندن بر مردم نیست، بلکه کار با مردم است.^۳

با توجه به این مطالب درباره مفهوم مدیریت و رهبری، این دو واژه نحوه کار با مردم را تداعی می‌کنند، اما در روش‌ها با هم تفاوت دارند. در هر دو، قدرت و نفوذ مورد نیاز است، اما منشأ قدرت و نحوه نفوذ و اثرگذاری متفاوت است.

۴. سبک رهبری^۴

بعد از بیان مفهوم «سبک»، «مدیریت» و «رهبری»، می‌توان به معنای «سبک رهبری» اشاره کرد و آن را چنین تعریف نمود: «مراد از سبک رهبری، عبارت است از چگونگی رفتار مدیر (رهبر) در زمانی که سعی در تأثیرگذاری بر عملکرد فرد دیگری دارد».^۵ به سخن دیگر، نحوه سرپرستی مدیران بر دیگران و چگونگی رفتاری را که آنان در موقع تأثیرگذاری و نفوذ بر عملکرد افراد از خود بروز می‌دهند، «سبک رهبری» می‌گویند. با توجه به این تعریف، مدیر باید توان و تمایل فرد یا گروه را بسنجد و با توجه به قدرت خود، یکی از سبک‌های دستوری/ایجابی، حمایتی و تفویضی را در برخورد با آنان برگزیند و به تدریج که افراد و گروه‌ها مسیر رشد را می‌پیمایند، همگام با افزایش توان و تمایل در آنان، خود قدرت حل مسئله را یافته و بدین‌گونه از انتقال مسئله به دیگری جلوگیری شود. علاوه بر این، در رهبری نه تنها همواره نمی‌توان با همه افراد و گروه‌ها با یک سبک برخورد کرد، بلکه با یک فرد یا گروه نیز نمی‌توان همواره برخوردی یکسان داشت.^۶

1. Charles Handy

2. Handy, *Perception of Organizations*, p.111.

۳. بلانچارد، مدیریت بر قلب‌ها، ص ۱۴۶.

4. style of leadership

۵. بلانچارد، رهبری و مدیر یک دقیقه‌ای، ص ۵۳.

۶. رضاییان، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

نکته با اهمیت در سبک رهبری، نوع نگرشی است که رهبری در تأثیرگذاری بر افراد دارد که می‌تواند رهبر را فرهمند یا قانونی جلوه دهد. در نگرش اول، رهبران به برکت برخوردار از دم مسیحایی یا فره ایزدی، برای پیروان خود بینشی به وجود می‌آورند که به مثابه نقشه‌ای برای نواحی جدید، بی‌نقشه و ناشناخته، عمل می‌کند. به گفته جامعه‌شناس آلمانی، ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)، کاشف فره ایزدی، چنین رهبرانی اقتدار خود را نه به سنت مدیون هستند و نه به عقل‌گرایی (به معنی قانون‌گرایی دیوان‌سالارانه یا بوروکراتیک و معیارهای متعارف آن در مورد شایستگی)، بلکه بیشتر به رسالت و الهام الهی خود مدیون‌اند.

در نگرش دوم، رهبر با استعداد خاصی که برای گوش کردن ماهرانه و دلسوزانه دارد، از راه بحث‌های گوش‌خراش و ناهنجار پیروان یا حتی از سکوت پربارشان، به بینشی که در وجودشان نهفته است، یا به آنچه خواست آنان است، پی می‌برد... در هر یک از این دو مورد، استعاره مناسب برای رهبری، استعاره سفر است که به این منظور صورت می‌پذیرد که با گشودن عرصه امکانات جدید بر روی ما و نشان دادن افق‌های تازه به ما، وسعت دیدمان را افزایش می‌دهد.^۱

اقتدار رهبری در نگرش‌های یادشده، بر مبنای سلطه فرهی، سنتی و قانونی تبلور می‌یابد. «ماکس وبر» کاریزما (فره) را موهبت آسمانی یا هدیه خدادادی^۲ یا یک کیفیت استثنائی می‌داند که به واسطه آن یک نفر در مقام رهبری قرار می‌گیرد:

... رهبر سنتی رئیسی است که به واسطه وضعیت موروثی خود ریاست می‌کند. دستورات وی شخصی و قراردادی ولیکن در محدوده ثابت و لایتغیر سنت‌ها و عادات می‌باشند، پیروان وی به علت تمایل شخصی یا احترامی که به مقام سنتی او دارند از وی اطاعت می‌کنند... در حالت سلطه قانونی مردم تبعیت از قوانینی را نه بدین جهت که این قوانین توسط رهبر کاریزما یا رهبر سنتی وضع شده، بر خود لازم می‌دانند، بلکه آنها اعتقاد دارند که این قوانین هم نظر حاکم و هم نظر تابعین را تأمین می‌کند.^۳

با توجه به مفاهیم مختلف اقتدار در رهبری و منشأ اعمال قدرت و اختیار، می‌توان محدوده اقتدار و قدرت رهبران را شناسایی کرد و سبک‌های رهبری آنان را بررسی نمود.

۱. ر.ک: دائرةالمعارف دموکراسی، زیر نظر سیمور مارتین لیپست، ص ۸۳۳.

2. gift of grace

۳. موزلیس، سازمان و بوروکراسی (تجزیه و تحلیلی از تئوری‌های نوین)، ص ۱۰ و ۱۱.

ممکن است این سؤال مطرح شود که اعمال سبک‌های رهبری، چه مهارت‌هایی نیاز دارد؟ به سخن دیگر، مدیران در جایگاه رهبری، به چه مهارت‌هایی نیاز دارند تا بتوانند به‌طور اثربخش سبک‌های رهبری را به کار گیرند؟

در پاسخ باید گفت به سه نوع مهارت نیاز است؛ نخست اینکه، مدیران باید یاد بگیرند که از روش‌های مختلف رهبری استفاده کنند؛ یعنی در به‌کارگیری روش‌ها انعطاف داشته باشند؛ دوم آنکه، یاد بگیرند نیازهای افراد تحت سرپرستی خود را تشخیص دهند؛ سوم اینکه یاد بگیرند در ارائه روش‌های رهبری که برای زیردستانشان مناسب تشخیص داده‌اند، به نوعی توافق با آنها دست یابند؛ یعنی در اعمال شیوه رهبری درباره افراد با آنان توافق کنند. به‌طور خلاصه این سه مهارت شامل: «انعطاف‌پذیری»، «تشخیص» و «توافق» است.^۱

بنابراین، اگر رهبران یا مدیران بخواهند در میان افراد به‌طور اثربخش و کارا تأثیر گذاشته و در آنان نفوذ کنند، لازم است در به‌کارگیری روش‌های رهبری انعطاف‌پذیر بوده، قدرت تشخیص نیازهای پیروان را داشته و با آنها به نوعی توافق در نحوه اعمال سبک رهبری دست یابند. امام خمینی(ره)، از جمله رهبران اثربخشی بود که مهارت‌های لازم برای نفوذ در اعماق قلب توده‌های مردمی را دارا بود و با تشخیص نیازهای مادی و فرامادی آنان، مسیر اصلی رشد را برایشان هموار ساخت و با انعطاف‌پذیری و ارتباط صمیمانه خویش، سبکی نو در رهبری طراحی کرد.

○ خلاصه مبحث

در این مبحث، مفاهیم کلی که ممکن است در طول مباحث کتاب با آنها مواجه شده و احیاناً تبیین بیشتر موضوع نیازمند تعریف آن مفاهیم و کلیات باشد بررسی شد و تعریف‌هایی از آنها ارائه گردید. بدین‌سان، نخست ضرورت طرح موضوع، با بازخوانی و بازشناسی اندیشه‌های امام خمینی(ره) در رهبری و معرفی آنها به نسل جوان و الگوسازی برای تدوین نظام‌مند شیوه رهبری آغاز شد و سپس در زمینه واژگانی چون «سبک»، «مدیریت»، «رهبری» و «سبک رهبری» واژه‌شناسی انجام گرفت. مطالعات نشان می‌دهند مفهوم «سبک» در بردارنده فکر یا معنی و صورت یا شکل است. از این‌رو، اتحاد و یگانگی فکر و شکل یا معنی و صورت، بنیاد سبک را

۱. ر.ک: بلانچارد، رهبری و مدیر یک دقیقه‌ای، ص ۳۲.

در شخصیت آدمی ایجاد می‌کند. مدیریت و رهبری از جمله اصطلاحاتی هستند که در این فصل تعریف شده‌اند. مدیریت به هنر انجام کار از طریق مردم تعریف شده و رهبری نیز به اثرگذاری و نفوذ در مردم تعریف شده است که این نفوذ راغبانه است. از این رو، رهبری فرمان راندن بر مردم نیست، بلکه کار با مردم است. با توجه به این رویکرد، مدیریت و رهبری هر دو نحوه کار با مردم را تداعی می‌کنند. در هر دو به قدرت و نفوذ نیاز است، اما منشأ قدرت و چگونگی نفوذ و اثرگذاری تفاوت دارد. سبک رهبری چگونگی رفتار مدیر یا رهبر در تأثیرگذاری بر عملکرد دیگران است که در این تأثیرگذاری نوع نگرش و اقتدار رهبران دخالت دارد.

○ پرسش‌ها

۱. مفهوم سبک و سبک رهبری را توضیح دهید.
۲. مدیریت را تعریف کنید.
۳. مفهوم رهبری را توضیح دهید.
۴. رهبری و مدیریت را مقایسه و تجزیه و تحلیل نمایید.

مبحث دوم: سبک‌شناسی در رهبری اسلامی امام خمینی(ره)

هدف کلی: آشنایی با سبک‌شناسی رهبری امام خمینی(ره) و رهبری در اسلام.

اهداف آموزشی مبحث دوم

پس از مطالعه این مبحث انتظار آن است که:

۱. مفهوم سبک‌شناسی را در رهبری امام خمینی(ره) بدانید و تحلیل نمایید؛
۲. رهبری در اسلام را تجزیه و تحلیل کنید؛
۳. واژگان معادل واژه‌های مدیریت و رهبری در اسلام را بدانید و شیوه مدیریت و رهبری رسول خدا(ص) و امام حسین(ع) را مقایسه نمایید؛
۴. ولایت فقیه را به عنوان بنیاد رهبری امام خمینی(ره) تحلیل نمایید؛
۵. با متدلوژی در پژوهش حاضر آشنا گردید.

مقدمه

رهبران در رهبری اجتماعی - سیاسی خود از سبک‌های گوناگون بهره می‌گیرند؛ برخی بر شیوه دستوری تأکید می‌ورزند و در این مسیر به زور و اجبار می‌اندیشند. منطق این رهبران این است: «یک گره شاخ از دو زرع دُم بهتر است». برخی دیگر به «نیرنگ و فریب» اندیشیده و روش فریبکاری را پیشه می‌سازند. طبیعی است که این روش‌ها در طول تاریخ مورد توجه حاکمان و سیاستمداران بوده و آنان با تمسک به این شیوه‌ها، حکومت می‌کردند. برای مثال، معاویه معمولاً از شیوه دوم بهره می‌گرفت و سیاستی مبتنی بر روش نیرنگ و حيله داشت، در حالی که پسرش یزید، بر روش زور و اجبار تأکید می‌ورزید. در عصر حاضر نیز سیاستمداران و رهبران غیر الهی از این شیوه‌ها در عرصه‌های بین‌المللی استفاده می‌کنند. همانند آنچه آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها یا صهیونیست‌ها تاکنون به کار گرفته‌اند. این گروه‌ها گاه از روش معاویه‌ای و زمانی از شیوه یزیدی بهره می‌گیرند.

طیف دیگر از رهبران را سیاستمداران و رهبران دینی تشکیل داده‌اند که روش‌های آنان متناسب با شخصیت فطری افراد و شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی آنان است. انبیای الهی و اوصیای آنان در این گروه قرار می‌گیرند. این طیف رهبران، اهدافی مشترک داشته‌اند ولی شیوه‌های آنان ممکن است مشترک یا به تناسب شرایط زمانی و مکانی متمایز بوده است. برای مثال، مقصد و هدف پیغمبر اسلام(ص) با مقصد و هدف امیر المؤمنین علی(ع) مشترک است، با این حال ممکن است شیوه‌های رهبری آن بزرگواران مشترک یا متفاوت باشد. این در حالی

است که اهداف و شیوه‌های رهبران توحیدی با اهداف و شیوه‌های رهبران غیر توحیدی متعارض است. به سخن دیگر، ماهیت مقصد و شیوه‌های رسیدن به هدف رهبران غیر توحیدی با ماهیت مقصد و شیوه‌های رهبران توحیدی فرق دارد. برای مثال، هدف و شیوه امیرمؤمنان علی(ع) با هدف و شیوه معاویه متفاوت بوده است. روش امیرالمؤمنین(ع) براساس اخلاق، صداقت، عدالت و صمیمیت استوار بود در حالی که عده‌ای روش معاویه را که مبتنی بر حيله و نیرنگ بود می‌پسندیدند؛ حتی به علی(ع) توهین می‌کردند که علی(ع) از این راه‌ها و شیوه‌ها بی‌اطلاع است. علی(ع) سبک رهبری معاویه را با سبک رهبری خود مقایسه نموده و شیوه معاویه را رد می‌کند و خطاب به کسانی که معاویه را زیرک می‌پنداشتند می‌فرماید: «والله ما معاوية بأدهي مني ولكنه يغدرُّ ويفجِّرُ ولولا كراهية العَدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَهْلِ النَّاسِ»^۱ به خدا قسم که معاویه از من زیرک‌تر نیست؛ ولی او نیرنگ‌باز است و فجور می‌کند اگر نبود که خداوند حيله‌گری را دوست نمی‌داشت، آنگاه من زیرک‌ترین مردم از این حیث بودم».

در رویکرد علی(ع) این شیوه رهبری مردود تلقی شده و کسی که این شیوه را انتخاب کند فاجر و فاسق است. علی(ع) در این باره می‌فرماید: «ولكن كلُّ عَدْرَةٍ فَجْرَةٌ و كلُّ فَجْرَةٍ كَفْرَةٌ و لكلِّ غادرٍ لواءٌ يعرفُ به يومَ القيامةِ»^۲ ولی هر نیرنگ و فریبی، فسق و فجور است و هر فسق و فجوری در حد کفر است و در قیامت برای هر غداری پرچمی است که با آن شناخته می‌شود».

از این رو، اساساً ماهیت شیوه رهبران توحیدی با رهبران غیر توحیدی متمایز است. از سوی دیگر، امروزه می‌بینیم که کلمه «سیاست»^۳ معادل نیرنگ و فریب به کار می‌رود، حال آنکه «سیاست» در لغت به معنای اداره کردن و «سائس» به معنای مدیر آمده است.^۴ در ادعیه ما نیز، ائمه اطهار(ع) به عنوان سیاستمداران مردم و مدیران آنها لقب گرفته‌اند. چنان که در زیارت جامعه آمده است: «وَسَاسَةَ الْعِيَادِ» یعنی سیاستمداران و مدیران بندگان خدا.^۵ با توجه به این تعابیر، ائمه اطهار(ع) را می‌توان سیاستمداران و مدیران امت لقب داد و بدیهی است که هر یک از آن معصومان و دیگر رهبران توحیدی، سیاست و شیوه‌ای برای اداره جامعه داشته‌اند که با شیوه و سبک رهبران غیر توحیدی متفاوت بوده است. افزون بر این، اهداف رهبران توحیدی نیز

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰.

۲. همان، خطبه ۲۰۰.

3. policy

۴. ر.ک: جر، فرهنگ لاروس عربی - فارسی، ج ۲، ص ۱۲۲۹.

۵. ر.ک: قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

با اهداف رهبران غیر توحیدی متعارض است. رهبران الهی در راستای «توحید کلمه» و «کلمه توحید» رفتار می‌کنند، در حالی که رهبران غیر توحیدی برای رسیدن به اهداف نفسانی و مادی حرکت می‌کنند.

شیوه رهبری امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) رهبری الهی است که هدفش در راستای هدف انبیا و اوصیای الهی بوده و سبک رهبریش برای رسیدن به اهداف توحیدی شکل گرفته است. سبک‌شناسی در رهبری امام خمینی(ره)، به متد و روشی دینی اشاره دارد که برای نیل به مقاصد و اهداف الهی اتخاذ شده است. از این‌رو، در سبک‌شناسی رهبری امام خمینی(ره) سخن از شناسایی شیوه‌های درست نیل به اهداف رهبری است.

رهبری و مدیریت در اسلام

در این بخش، مفهوم رهبری در آیین توحیدی اسلام مطالعه و بررسی می‌شود. بدیهی است که در این بررسی، بازبینی و بازشناسی مفهوم مدیریت در فرهنگ اسلامی، به تبیین بهتر مفهوم رهبری کمک می‌کند. از این‌رو، در اینجا این دو واژه با هم بررسی می‌شوند. باید یادآور شویم که مدیریت و رهبری در نظام توحیدی با آنچه در غرب رایج شده تفاوت اساسی دارد. در جوامع غیر دینی، مدیران از دانش و فن مدیریت به عنوان ابزاری کارآمد در راستای دستیابی به خواسته‌های مادی و نفسانی، مانند پول، قدرت، شهرت و حتی هویت استفاده می‌کنند، اما در نظام ارزشی اسلام، چون هدف اساسی، دستیابی به قرب و رضای خداوند است، نه تأمین هدف‌های گذرا و پوچ دنیایی، انگیزه‌های مدیران نیز چیز دیگری است. مدیران در نظام توحیدی به دنبال ادای وظیفه و ایفای مسئولیت‌اند؛ ناگفته نماند که مدیران مسلمان برای رسیدن به اهداف مادی نیز تلاش می‌کنند، با این حال، جهت‌گیری آنان همواره به سوی قرب و رضایت حق تعالی است. به سخن دیگر، سوددهی سازمانی و رفاه اعضا در سایه رعایت موازین و احکام الهی تعریف می‌شود.

در اسلام، رهبری یک امر معنوی و تعهدی است و مدیریت جنبه تکنیکی دارد. رهبری نیازهای معنوی و انسانی یک سازمان را تأمین می‌کند و مدیریت ابزارهای مادی و تکنیکی افزایش تولید و رفع نیازهای مصرفی افراد را تدارک می‌بیند.

برای واژه‌های «رهبری و مدیریت» در فرهنگ اسلامی می‌توان از دو واژه «راهنمایی» و «رشد» استفاده نمود. استاد شهید مطهری (ره) در این باره می‌نویسد:

اگر بخواهیم مرادفی برای آنها [رهبری و مدیریت] در مصطلحات اسلامی پیدا کنیم، باید بگوییم: ارشاد و رشد یا هدایت و رشد. قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامی، و قدرت مدیریت همان است که در اصطلاح فقه اسلامی «رشد» نامیده شده است.^۱

از این رو، می‌توان رهبری را به هدایت و مدیریت را به رشد معنا کرد. مقصود از رشد، بلوغ روحی، شایستگی و قدرت تشخیص، درک سود و زیان و لیاقت اداره و بهره‌برداری صحیح از وسایل و سرمایه‌های حیات است. با این توصیف «مدیریت فنّ بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنهاست».^۲

نکته قابل توجه این است که در مضامین اسلامی رشد و مدیریت به مفهوم «امامت» و رهبری به مفهوم «نبوت» نزدیک است. چه اینکه، در تفاوت نبوت و امامت گفته می‌شود که: «اولی راهنمایی است... اولی ابلاغ است، اخبار است، آگاه کردن است، ارائه دادن راه است، دومی سرپرستی است، جلو افتادن و به دنبال خود کشاندن است، تحریک نیروها و بسیج نیروها و سامان دادن و سازمان بخشیدن نیروهاست. پیامبران برخی راهنمای راهبر بودند؛ مانند ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و خاتم الانبیا (ص) و برخی فقط راهنما بودند؛ ولی ائمه رهبرند و راهنمایی‌شان همان راهنمایی خاتم الانبیاست».^۳

از مطالب یادشده استفاده می‌شود که مدیریت و رهبری در شخص رسول خدا (ص) و ائمه هدی (ع) تبلور داشته است، چه اینکه آنان راهنمای راهبر بوده‌اند و چنان که مدارک و اسناد تاریخی نشان می‌دهند، رسول خدا (ص) علاوه بر راهنمایی، به مدیریت جامعه توجه ویژه داشته‌اند و با تشکیل حکومت در راه تحقق آرمان‌های الهی فعالیت بسیاری کرده‌اند. سبک مدیریت رسول خدا (ص) غالباً فرهنگی و ایدئولوژیک بوده و ائمه هدی (ع) نیز بنا به اقتضائات زمانی و مکانی در این عرصه‌ها ایفای نقش کرده‌اند.

رسول اکرم (ص) با مدیریت و رهبری بر جامعه اسلامی، بنیان ساختارهای فرهنگی و اعتقادی عصر خویش را در هم ریخت و اندیشه نوین در انداخت که بر پایه تفکر توحیدی بنا

۱. مطهری، امامت و رهبری در اسلام، ص ۲۰۹. ۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

شده بود. این اندیشه پاک که از فطرت الهی الهام گرفته، در مسیر حرکت پویانده خود در عصر امام حسین(ع) به چالش کشیده شد که با مدیریت و رهبری آن حضرت به مسیر اصلی خود برگشت. امام حسین(ع) رهبری یک قیام انقلابی در متن اسلام را بر عهده گرفت و برای تصحیح مسیر جامعه دینی قیام کرد. آن حضرت یک شورش و انقلاب مقدس را علیه ظلم، تظاهر و ریاکاری رهبری نمود. مدیریت امام سوم(ع) در راستای مدیریت رسول خدا(ص) و برای حفظ ارزش‌های پدیدار شده عصر رسول اکرم(ص) مبتنی بر دو اصل مهم «امر به معروف» و «نهی از منکر» بوده است؛ چنان که آن حضرت در بیان فلسفه قیام خود می‌فرماید:

أَتَى لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسَدًا وَلَا ظَالِمًا وَأَمَّا خَرَجْتُ لَطَلِبُ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِي(ص)، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِي وَأَبِي؛^۱ همانا من برای شرارت و ابالی‌گری قیام نکردم و مفسد و ظالم نیستم بلکه برای اصلاح در امت جدم قیام نمودم و اراده کرده‌ام که امر به معروف و نهی از منکر نمایم و به سیره و سبک جدم و پدرم عمل کنم.

اصول مهم در گفتار امام حسین(ع) اصلاح انحرافات پیش آمده در امت رسول خدا(ص)، امر به معروف و نهی از منکر و عمل به سیره رسول اکرم(ص) و امیرمؤمنان علی(ع) است. امر به معروف و نهی از منکر، دو اصل مهم و دو راهکار اساسی در مدیریت امام حسین(ع) بود، تا انحرافات پیش آمده در امت رسول خدا(ص) اصلاح و بازسازی شوند. از این رو، مدیریت امام حسین(ع) در جهت تحقق رهنمودهای راهبری و ارشادی پیامبر اکرم(ص) عملی شده و در راستای هدایت و رهبری جد بزرگوارش معنا پیدا می‌کند. امامان دیگر(ع) نیز همین مسیر را پیموده و رهبری و مدیریت آنان در راستای اهداف استراتژیک هدایت و رهبری رسول خدا(ص) تعریف می‌شود. اکنون سؤال این است که: در عصر غیبت، رهبری و مدیریت جامعه بر عهده کیست؟ به سخن دیگر، چه کسانی عهده‌دار این مسئولیت خطیر می‌گردند؟ اندیشمندان اسلامی، از جمله امام خمینی(ره) بر این باورند که در عصر غیبت، مدیریت و رهبری جامعه بر عهده فقهای عادل و آگاه به زمان است و اگر یک فقیه جامع‌الشرایط به امر حکومت و مدیریت جامعه اقدام کند، بر فقهای دیگر است که از وی متابعت کنند و مردم را به پیروی از او وادارند. خاطرنشان می‌شود، امام خمینی(ره) فقیهی جامع‌الشرایط برای رهبری بود که به حکم ادای تکلیف الهی بر انجام این امر مهم اقدام کرده و در عمل مدیریت و رهبری جامعه را به دست گرفت.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.